جمهوری اسلامی

اخبار شهرستانها

صفحه ۴

چهارشنبه ۱۶ دی ۱۳۶۰ - ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۰۲ - شماره ۷۵۴ - سال سوم

تجربه هویزه

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در شب اسری و رستاخیز پانزدهم دیماه سیاهی مطلق بر تمامی منطقه کرخه‌کور و هویزه سایه‌افکنده بود و گه‌گاهی صدای شلیک انفجار بگوش میرسید و موجهائی از سوی دشمن ترسو و بزدل پرتاب میشد و قسمتی از فضا را روشن میکرد. در مقر فرماندهی عملیات مرتب نقشه و جوانب طرح حمله مورد بررسی و مداقه قرارمی‌گرفت.

از سوئی دشمن که در انتظار حمله بسرمیبرد دراولین ساعات بامداد روز دوشنبه پانزدهم دیماه به تکاپو افتاد تا در صورت اجرای حمله از طرف رزمندگان اسلام به مقابله با آن برخیزند.

کم‌کم رمان به طلوع فجر نزدیک میشد اما خبری از حمله نبود، پس از اقامه نماز مقدمات کار روزانه آغاز گشت اما دشمن همچنان انتظارحمله را می‌کشید.

صبح هنگام با آنکه خورشید طلوع کرده بود اما تمامی منطقه را مه پوشانده و مانع از روشنائی کامل هوا می‌گشت و بدلیل ریزش باران در چند روز گذشته و سردی هوا سطح زمین لغزنده‌شده و گل‌ولای‌ها پخ زده بود.

ساعت به ۱۰ صبح نزدیک میشد فرماندهان عملیات در اتاق فرماندهی برای صدور فرمان حمله آماده میشدند فرماندهان قسمتها نیز در انتظار فرمان حمله به سر می‌بردند جنب وجوشی در میان رزمندگان اسلام شکل گرفت و از فرط شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند نیروهای پیاده سلاحهای خود را سر دوش گرفته و در حالیکه از وسایل خود بازدید میکردند مرتب زیرلب با خالق خویش راز ونیاز میکردند حالت خاصی در سراسرچهره به چشم میخورد زیرا پس از سه و ماه واندی جنگیدن و پی‌دربی در موضع پدافندی بودن اینک میخواهند طرحی وسیع و گسترده در مقیاس بزرگ را برای بیرون راندن دشمن آغاز کنند چون تا بحال نیروهای اسلام بعلت عدم آمادگی و مشکلات بوجودآمده از عوارض انقلاب فقط توانسته بودند دومرحله استقرار و مقاومت را پشت سرگذارند. اولین مرحله آن لحظه‌های تلخ شروع جنگ و آن عقب‌نشینی‌ها و اشغال شهرها ومواضع و بخش وسیعی از کشور جمهوری اسلامی و مهمتر از همه جانبازی عده زیادی از بهترین فرزندان انقلاب اسلامی بود که حماسه‌های مقاومتشان همچنان زبانزد رزم‌آوران اسلام است.

از جمله، مقاومت دلیرانه و خیابان به خیابان پاسداران انقلاب در آخرین لحظات سقوط خونین شهر و آن جانفشانی و ایثار همین افتخار آفرینان در شکستن محاصره سوسنگرد در روز عاشورای سال گذشته که چگونه با سلاحهای سبک و شلیک قطرات خون خویش در حالیکه همانند کربلائیان تشنه‌کام بر زمین می‌غلطیدند با جاری ساختن سیلی از خون، دشمن را تا آنسوی شهر عقب راندند. و دومین مرحله اینکه پس از یشت همچنین رشادت غرور آفرین خلبانان هوانیروز درجلوگیری از سقوط پادگان ابادر و آن حرکت خلبانان نیروی هوائی درانهدام و نابودی دشمن که پیروزی بزرگی نصیب جمهوری اسلامی کردند و آن ارتشیان حماسه‌ساز که تا آخرین قطرات خون خویش برای دفاع از اسلام ایستادند و اما دومین مرحله اینکه پس از پشت سرگذاشتن آن فرازونشیبها که خود کولهباری از تجربه و شناختن دوست از دشمن و خادم از خائن را بردوش مانهادتوانستیم جلوپیشروی اشغالگران صدامی را سدکنیم و نگذاریم بیش ازاین به اشغال کشورانقلاب اسلامی بپردازند.

حال که این دومرحله را پشت سرگذاشته‌ایم مرحله سوم که بیرون راندن دشمن است را باید آغاز کنیم و بخصوص که مدتی رگودرحبهه‌ها حاکم شده بود و رزمندگان اسلام اعم از ارتشی و سپاهی و سایر نیروهامرتب به عدم شروع این مرحله معترض بودند تا اینکه حضرت آیتا... منتظری این هشداردهنده آگاه فریاد اعتراض رابلندکردند و به مسئولین بخصوص بنی‌صدر مخلوع که دراین امورتعلل میورزید نهیب برآوردند که رزمندگان ما آماده‌اند پس چراطرحهای ضربتی و آزادسازی مناطق اشغالی را به اجرادر نمی‌آورید؟

بهرحال طیف بنی‌صدر مخلوع چشم به هیئتهای صلح دوخته امانیروهای خط امام همچنان به نبردبی امان تا بیرون راندن متجاوز معتقدبودند سرانجام در روزپانزدهم دی ماه قرارشد که دریک حمله سریع مهمترین مناطق اشغالی دشمن درهویزه و پادگان حمیدآزاد شود.

نیروهای منطقه انتظار حمله را ازاولین ساعات بامداد روزپانزدهم دیماه می‌کشیدند بعلت گذشتن و تاخیرافتادن چندین ساعت درزمان شروع حمله ازحالت فوق‌العاده به حالت عادی باز گشتند که ناگاه حدود ساعت ۱۰ صبح بارانی شدید ازانواع گلوله‌ها و خمپاره‌ها برسرورویشان باریدن گرفت.

فرمانده عملیات نیروهای رزمنده اسلام آغاز حمله را به کلیه واحدها ازطریق بی‌سیم ابلاغ کرد و باهماهنگی قبلی ابتدابک آتش تهیه بسیارسنگین بر روی نیروهای دشمن اجراشد و بدنبال آن نیروهای پیشرو و پیاده به سمت خاکریزهای دشمن سرازیرشدند دشمن کاملاً غافلگیرشده بود چارهای جزاسارت و پاکشته شدن نداشت و رزمندگان اسلام به پیش میرفتند و هرنیروئی ازدشمن که میخواست مقاومت کند ازپین میبردند دشمن مستاصل و زبون شده بود هریک بسوئی میگریختند اماسرانجام درچنگال قوای اسلام گرفتارمیماندند.

صحنه نبردباورکردنی نبود، حتی اسرای عراقی از فرط حیرت و تعجب به یکدیگر خیره خیره نگاه میکردند پیشروی همچنان ادامه داشت و رزمندگان اسلام همانطور که جلومیرفتند اسرار به عقب تخلیه و دشتی ازسلاحهای سبک و سنگین را پشت سرمی‌گذاشتند.

واحدهای پیاده حدودسه کیلومتر از برادران ارتشی خودجلوبودند، موقعیت برای قلع و قمع کامل دشمن بسیارمناسب بود، و ازطرفی میزان غنائم بدست آمده واقعاً قابل شمارش نبود، فقط یک قلم تخمین آنراصدهاتانک وخودروگزارش کرده بودند.

حجت الاسلام خامنه‌ای که در آن موقع نماینده امام در شورایعالی دفاع بود و پا به پای رزمندگان اسلام در عملیات حضور داشت ضمن تحلیل از قوای خودی و اشاره به عظمت پیروزی در همانجنب در یک تماس تلفنی اظهار داشت که ما قسمت وسیعی از خاک کشورمان را از وجود دشمن پاکسازی کرده و غنائم بیشماری بدست آوردیم و همچنین تعداد زیادی که از هزار تجاوز میکند اسیر گرفته‌ایم.

بهر حال تا هنگامه غروب پیشروی ادامه یافت تا اینکه قبل از رسیدن به موضع نهائی یعنی مرحله سوم که بیرون راندن دشمن است را باید آغاز کنیم و بخصوص که مدتی رگودرحبهه‌ها حاکم شده بود و رزمندگان اسلام اعم از ارتشی و سپاهی و سایر نیروهامرتب به عدم شروع این مرحله معترض بودند تا اینکه حضرت آیتا... منتظری این هشداردهنده آگاه فریاد اعتراض رابلندکردند و به مسئولین بخصوص بنی‌صدر مخلوع که دراین امورتعلل میورزید نهیب برآوردند که رزمندگان ما آماده‌اند پس چراطرحهای ضربتی و آزادسازی مناطق اشغالی را به اجرادر نمی‌آورید؟

بهرحال طیف بنی‌صدر مخلوع چشم به هیئتهای صلح دوخته امانیروهای خط امام همچنان به نبردبی امان تا بیرون راندن متجاوز معتقدبودند سرانجام در روزپانزدهم دی ماه قرارشد که دریک حمله سریع مهمترین مناطق اشغالی دشمن درهویزه و پادگان حمیدآزاد شود.

نیروهای منطقه انتظار حمله را ازاولین ساعات بامداد روزپانزدهم دیماه می‌کشیدند بعلت گذشتن و تاخیرافتادن چندین ساعت درزمان شروع حمله ازحالت فوق‌العاده به حالت عادی باز گشتند که ناگاه حدود ساعت ۱۰ صبح بارانی شدید ازانواع گلوله‌ها و خمپاره‌ها برسرورویشان باریدن گرفت.

فرمانده عملیات نیروهای رزمنده اسلام آغاز حمله را به کلیه واحدها ازطریق بی‌سیم ابلاغ کرد و باهماهنگی قبلی ابتدابک آتش تهیه بسیارسنگین بر روی نیروهای دشمن اجراشد و بدنبال آن نیروهای پیشرو و پیاده به سمت خاکریزهای دشمن سرازیرشدند دشمن کاملاً غافلگیرشده بود چارهای جزاسارت و پاکشته شدن نداشت و رزمندگان اسلام به پیش میرفتند و هرنیروئی ازدشمن که میخواست مقاومت کند ازپین میبردند دشمن مستاصل و زبون شده بود هریک بسوئی میگریختند اماسرانجام درچنگال قوای اسلام گرفتارمیماندند.

صحنه نبردباورکردنی نبود، حتی اسرای عراقی از فرط حیرت و تعجب به یکدیگر خیره خیره نگاه میکردند پیشروی همچنان ادامه داشت و رزمندگان اسلام همانطور که جلومیرفتند اسرار به عقب تخلیه و دشتی ازسلاحهای سبک و سنگین را پشت سرمی‌گذاشتند.

واحدهای پیاده حدودسه کیلومتر از برادران ارتشی خودجلوبودند، موقعیت برای قلع و قمع کامل دشمن بسیارمناسب بود، و ازطرفی میزان غنائم بدست آمده واقعاً قابل شمارش نبود، فقط یک قلم تخمین آنراصدهاتانک وخودروگزارش کرده بودند.

حجت الاسلام خامنه‌ای که در آن موقع نماینده امام در شورایعالی دفاع بود و پا به پای رزمندگان اسلام در عملیات حضور داشت ضمن تحلیل از قوای خودی و اشاره به عظمت پیروزی در همانجنب در یک تماس تلفنی اظهار داشت که ما قسمت وسیعی از خاک کشورمان را از وجود دشمن پاکسازی کرده و غنائم بیشماری بدست آوردیم و همچنین تعداد زیادی که از هزار تجاوز میکند اسیر گرفته‌ایم.

بهر حال تا هنگامه غروب پیشروی ادامه یافت تا اینکه قبل از رسیدن به موضع نهائی یعنی

پادگان حمید دستور استقرار صادر شد.

تا اینجا طرح با موفقیت کامل، تا حداقل تلفات بانجام رسیده بود و نیروها هر کدام در محلی که رسیده بودند توقف کردند در این استقرار چند نکته حائز اهمیت است که نبردهای بعدی هر کدام تجربه و اندوخته بزرگی برای طراحان‌بود اول اینکه فاصله بین نیروها و خطوط آتش رعایت نشده و تا صبح روز بعد در هیچ قسمتی عملیات سنگر کنی انجام نگردید حتی برای محل استقرار تانکها نیز خاکریز کنده نشد.

در این رابطه برادر کریم پور فرمانده یک گردان عملیاتی سپاه در تماحم روز دوشنبه ۱۵دی گفت: ما دو گردان بودیم، یک گردان ۱۵۰نفری به فرماندهی من و یک گردان ۱۵۰نفری بعهده برادردیگر. ما قرار بود با ۲گردان تانک تیپ یک قزوین همکاری کنیم روزی که ما وارد عمل شدیم و حمله را آغاز کردیم برادران سپاه حدود سیصد نفر بودند و حدود، سه کیلومتر از برادران ارتشی جلو بودند که بعنوان واحد پیاده وارد منطقه شدند.

درروز حمله ما کاملاً بر منطقه مسلط بودیم و بجز انهدام یک نفر بر و زخمی شدن چند نفر تلفاتی نداشتیم اما با وجودیکه برادران سپاه از گردان جلوتر بودند ولی آنها باز عقب می‌ماندند که شاید تاکتیک نظامی بود.

برادران تیپ یک یعنی آن کسانیکه در آن تیپ زرهی بودند می‌گفتند مانمی‌دانستیم که تیپ سه همدان هم ازجناح دیگر قرار است حمله کند کما اینکه نزدیک بود نفرات این دوتیپ همدیگر رابزنند . بهرحال دشمن کاملاً در محاصره قرار گرفت تااینکه شب شد و برادران درموضوع‌ها ماندوازتانکها حفاظت کردند. حدود شش الی هفت بلدوزروچند لودر همراهمان آورده بودیم و اینها قراربود برای تانکها سنگر بکنند. متأسفانه آنهابحد کافی سنگر نکنده بودند؟ برادران ماتاصبح نگهبانی تانکها رادادند صبح که شد من بامعاون تیپ صحبت کردم و ایشان گفت که مادرمحاصره هستیم و دشمن درحال پیشروی است من بأوگفتم باید درصدد باشیم تاموضع بگیریم و آرایش به تانکها بدهیم که تانکهایمان درمحاصره قرارنگیرند وایشان بماموریت دادند که سمت چپ تانکهارامحافظت کنیم.

ازآنجا که تمامی جوانب حمله و استقرار نیروها بدرستی بررسی نشده بود ودرکلیه قسمتها آرایش نظامی مؤثر بچشم نمی‌خورد وهمچنین عدم احداث استتار وخاکریز، ضربه پذیری نیروهای ماراچند برابرکرده بود.

دراین حمله که قوای اسلام تانزدیکی پادگان حمید پیش رفته بودند بایک یورش دیگر می‌توانستند مرکز تدارکات اصلی دشمن راتصرف کنند و با این عمل قدرت تحرک دشمن رادرجنوب سلب کنند. بهرحال بعلت عدم تجربه جنگی کافی ویکسری مسائل دیگر بعلاوه قدرت تحرک دشمن درضد حمله آنچه نباید میشد بالاخره..... تاظهر روز ۱۶ دی خبری ازضد حمله دشمن نبود فقط نیراندازیهائی ازسمت آنها اجرا میگردید که نیروهای ماپاسخ می‌دادند حدود ساعت ۳/۵ بعدازظهر مجدداً به گروه پیاده دستور پیشروی داده شد که در حین حرکت نیروهای پیاده با نفربرها و خودروها یک هواپیمای دشمن وارد منطقه شد و ضربه‌ای زد و یکی از انبارهای مهمات ما را منهدم ساخت. این مطلب باعث شد که دستور پیشروی لغو گردید.

• • •

نیروهای صدام مدنبال شکست روز پانزدهم دیماه خود یک لشکر تازه نفس را از خونین شهر بسرعت وارد منطقه هویزه نمود این لشکر بمحض رسیدن وارد عمل شد و باشدت هرچه تمامتر به مواضع ما هجوم آورد. فرمانده عملیات نیروهای خودی دستور یک خیز عقب نشینی را صادر کرد. این عقب نشینی تا رودخانه کرخه کور ادامه یافت و این باعث شد که کنترل نیروهای مابهم بخورد و هرکس بسوئی تیراندازی کنند. وقتی تاکرخه کور عقب نشینی کردیم و یک پراکندگی بین ارتش وبرادران ما دیده میشد مشخص نبود که تانکهای دشمن سوی ما تیراندازی میکنند یا تانکهای خودی چون می دیدیم که چیفتن ها همه سر جای خودشان هستند.

• • •

در این ضد حمله سنگین دشمن که نیروهای ما محبور به عقب نشینی شدند بیش از یکصد تن از برادران پاسدار، جهاد و دانشجویان پیرو خط امام مفقود الاثر وشهید گردیدند و ما در آستانه اولین سالگرد شهادت افتخار آفرینشان که برای ما تجربه بزرگی بود یادشان را با درج خاطره‌ای گرامی میداریم. این خاطره توسط برادر شهید احمد غدیریان خبرنگار جمهوری اسلامی در اهواز چندی پس از عملیات شهیدوبدفتر روزنامه ارسال گردیده بود.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

مدت یکماه و نیم در جبهه سوسنگرد و هویزه و ساریه بودم در روز ۱۵ دی ماه در حمله‌ای که از طرف ارتش از هویزه به طرف شرق کرخه‌کور شروع شد من هم شرکت داشتم در این دو روز وقایعی و حوادثی و خاطراتی برای هر شخصی وجود دارد که من هم از خاطرات بی‌نصیب نبودم و به خواست تنی چند از برادران می‌خواهم قسمتی از خاطراتم را که یادم می‌آید بنویسم هرچند که الان مدت ۴۰ روز از آن وقایع می‌گذرد و فکر هم نمی‌کنم که این وقایع قابل نوشتن باشد ولی به حکم وظیفه خواهم نوشت.

صبح دوشنبه ۲۸ صفر برابر با ۱۵ دی ماه قرار بود ساعت ۱۰ صبح حمله ارتش بشود نیروهای سپاه و بسیج، پیاده نظام ارتش را تشکیل می‌دادند. ما حدود ۲ کیلومتر از تانکهای ارتش جلوتر رفتیم و حدود ۲ کیلومتر هم با دشمن فاصله داشتیم ساعت ده و بیست دقیقه بود که دستور پیشروی داده شد ارتش در سه ستون مقدم و میانی و پشتیبانی آرایش داده بود و هر کدام از ستون‌ها هم تقریباً یک کیلومتر و شاید بیشتر از هم فاصله داشتند. به محض دستور پیشروی تانکها که آماده بودند شروع به پیشروی نمودند و به اولین سنگرهای آنها شلیک کردند ما هم که پیاده بودیم راه افتادیم و یا خیز جلو می‌رفتیم اولین سری سنگرهای عراقیها پیدا شد عراقیها هم متقابلاً به شلیک پرداخته و با مسلسل‌ها و اسلحه کالیبر ۵۰ بود که به طرف نیروهای پیاده می‌زدند چند عدد هم خمپاره رمانی زدند که هنوز گلوله به نیروهای پیاده نرسیده بود که در هوا منفجر می‌شد و ما همچنان به پیش می‌رفتیم ناگهان دیدیم که عراقیها با تانکهای خودشان دارند از سنگرها بیرون می‌آیند دو عدد از تانکهای عراقی را تانکهای ما با شلیک مستقیم زدند و تانکهای آنها شروع به سوختن نمود،

اولین نیروئی که وارد سنگرهای دشمن شد یک تانک ارتش اسلام بود

ما همچنان پیش می‌رفتیم و شاید حدود۷۰۰ متر با عراقیها فاصله داشتیم، یکی از تانکهای خودمان از بقیه تانکها جلو افتاد و سریع جلو آمد و از نیروهای پیاده هم گذشت و به سمت تانکهای عراقی پیش می‌رفت عراقیها هم دو عدد نفربر از سنگرها درآورده و همگی سوار آنها شده و فرار کردند بقیه تانکها و توپها و خودرو و ضدهوائی‌هایشان را جا گذاشتند اولین تانکی که از ما جلو افتاده بود به سنگر عراقیها رسید و افراد آن پیاده شدند ما داشتیم می‌دویدیم تا به سنگرها برسیم. از نیروهای پیاده اولین نفری که به سنگر عراقیها رسید کاظم بود و آربی‌جی داشت من چهارمین نفر بودم که رسیدم و خدمه آربی‌جی بودم و کاظم یک گلوله آربی‌جی به سمت عراقیها که درحال فرار بودند انداخت ولی به نفربر نخورد، دومین گلوله هم همینطور، سومین گلوله هم من به او دادم و در آربی‌جی گیر کرد، گلوله را عوض کردم و باز هم گیر کرد و ما هم رفتیم طرف یکی از نفربرهای عراق که در سنگرها مانده بود کاظم درآن را باز کرد و یک آربی‌جی برداشت و من هم از داخل آن گلوله برداشتم و با آربی‌جی خودشان به سمت آنها شلیک کردیم که دیگر از تیررس دور شده بودند و نخورد. جالب اینجا بود که تانکی که از نیروهای خودمان بود و آمد از نیروهای پیاده جلو زد فکر کرده بود که تانکهای دشمن هم از ماست و باصطلاح تند آمده بود که خودش را به بقیه نیروها برساند و همینکه به عراقیها رسیده بود و دیده بودند که تانکها مال عراقیها است پیاده شده بودند که مبادا عراقیها تانک را بزنند و آنها درآن بسوزند،(آنها این حرفها رابه‌کاظم‌زده بودند و او برای ما تعریف کرد که چرا این تانک از ما جلو زد) اولین سری سنگرهای عراقی بدست ما افتاده بود، موقعی که ارتش با تانکهایش داشت آنها را دور می‌زد به طرف جاده جنوبغیر، پیش می‌رفت ما هم روی تانکهای عراقی ها رفته و مقداری عکس گرفته و چون صبحانه هم نخورده بودیم مقداری نان سفید و گوجه و کنسرو برداشتیم و می‌خوردیم سپس ما هم شروع به پیش روی نموده ولی دیگر بچه‌های سپاه همه همدیگر را گم کرده و گروههائیکه باهم بودند واحد ارتش را گم کرده بودند و بچه‌های سپاه در داخل تانکهای خودمان لول می‌خوردند، دشت هم بزرگ بود و هیچکس نمی‌دانست هدف کجاست، چه مقدار باید پیش رفت و ما موقعیت خودمان را هیچ نمی‌دانستیم وچون با تانکهای خودی قاطی شده بودیم، همراه با تانک پیش می‌رفتیم.

من از صبح با دوستان از کاظم و محسن غدیریان و علامرضا و جبار بودیم ولی در خلال پیشروی هر پنج نفر همدیگر را گم کردیم ساعت ۳ بعدازظهر بود و از بی خسته شده بودم به یکی از تانکها اشاره کردم که من مقداری سوار شوم و او قبول کرد حدود نیم ساعت سوار تانک شدم و ازقضا توپچی تانک هم اصفهانی بود و مرا بداخل تانک دعوت کرد من هم داخل رفته و پاکت سیگاری هم که از سنگر عراقیها برداشته بودم به او تعارف کردم.

ادامه دارد

۱۶ عامل گروهکهای محارب در ۳ شهر اعدام شدند

روابط عمومی دادستانی کل انقلاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که بحکم دادگاههای انقلاب اسلامی شهرستانهای مشهد- سنندج و اردبیل ۱۶ نفر از اعضاء و هواداران فعال گروههای محارب بحرم قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران مفسدفی‌الارض محارب با خدا و باغی شناخته شده و به سزای دنیوی اعمال ننگین خود رسیدند. باشد که عبرتی برای اهل تفکر و تدبر.

اسامی محدومین و جرائم آنان بدین شرح می‌باشد:

در مشهد ۱۳ نفر بنامهای: ۱- ابراهیم سالارعبدی فرزند محمدحسین ۲- محمد عدالتیان فروش فرزند علی‌اصغر ۳- مریم جیوار فرزند حسن ۴- علی یگانه فرزند علامرضا ۵- مرتضی برائی باقرآباد فرزند مهدی ۶- مجید ملک محمدی فرزند علی ۷- حسن صدیق فرزند حسین ۸- کوروش نایابی فرزند محمد ۹- اسدالله محمدزاده فرزند محمود ۱۰- علی‌بابا عظیمی قاری کلاهی فرزند عیسی ۱۱- محمدعلی جیوار فرزند حسن ۱۲- محمدمهدی فرزند محمدحسین ۱۳- بهروز تاظری فرزند نصرا ... نامبردگان بجرم فعالیت در کادر سیاسی و تروریستی منافقین- شرکت در تظاهرات غیرقانونی- ایجاد درگیریهای مسلحانه و حمل سلاح- زندگی و فعالیت در خانه‌های تیمی (آلا نعهای فساد) و قیام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و محکوم به اعدام شدند و احکام صادره در تاریخ ۶۰/۱۰/۱۵ بمرحله اجرا گذاشته شد.

در سنندج دو نفر بنامهای جمال خراسان‌زاد فرزند جعفر از اعضاء گروهک محارب و آمریکائی پیکار بجرم فعالیت در خانه‌های تیمی- حضور در قرارهای تیمی سازمان مذکور- حمل اسلحه غیرمجاز- فعالیت در پنکه- رابط بین اعضای تشکیلات در داخل و خارج و شهر و پیک خبری گروهک فوق‌الذکر و پخش اعلامیه‌های غیرمجاز ۲- کاووس شاه‌نشین فرزند شکرا... از اعضای گروهک کومله بجرم شرکت در درگیریهای سنندج که منجر به شهادت ۳۳ برادر پاسدار و ارتشی گردید. حمل اسلحه غیرمجاز از جمله‌کلاشینکف- همکاری با رزگاری وشکنجه و آزار مسلمانان در زندان کومله که احکام صادره در مورد این دو نفر در سحرگاه روز ۶۰/۱۰/۱۴ باجرا گذاشته شد.

در اردبیل هادی سالاری با نام مستعار مجتبی فرزند منوچهر اهل نورآباد ممسنی شیراز بجرم تشکیل و فعالیت در خانه‌های تیمی از مسئولین سطح بالای منافقین که هدایت کننده تروریستها بوده و در رابطه مستقیم با تروریها سابقه دستگیری داشته است. حکم صادره در مورد وی در سحرگاه ۶۰/۱۰/۱۲ اجرا گردید.

روابط عمومی دادستانی کل انقلاب اسلامی

دیدار استاندار آذربایجان‌شرقی با آموزشیاران روستائی

تبریز خبرگزاری جمهوری اسلامی: مهندس حسین طاهری استاندار آذربایجان‌شرقی بعدازظهر دوشنبه گذشته درجمع آموزشیاران روستایاری مجتمعهای بهزیستی خدمات روستائی این استان که در شهرستان تبریز جهت ارائه خدمات بهتر به روستائیان مستقیم مشغول گذراندن آموزشهای لازم هستند حضور یافت و برای آنان پیرامون ارزشهای انقلاب‌اسلامی سخنرانی کرد.

بگزارش خبرگزاری جمهوری‌اسلامی استاندار آذربایجان شرقی در بخشی از سخنانش ضمن قرائت آیه‌ای از قرآن مجید گفت: درروی زمین دو گروه انسان زندگی می‌کنند. یکی گروه ایمان آورنده که درمسیر حق و الله گام بر می‌دارند. و دیگری گروه گمراه وسرکش وما به خداوند متعال شکر می‌گذاریم که درسایه انقلاب‌اسلامی، ملت بزرگ ایران را از آن جهل واشتباهات طاغوتی بیرون آورد و درردیف گروه اول قرار داد. و امروز ما می‌بینیم درسایه این انقلاب نیروهای ما برای احیاء ارزشهای انسانی بسیج شده و خود شما نمونه آن هستید که می‌خواهید به محرومترین و درعین حال سازنده‌ترین قشر این انقلاب یعنی روستائیان زحمت‌کش خدمت بکنید. لازم بیادآوریست که آموزشیاران مذکور از پنجم دیماه سالجاری بمنظور ارائه خدمات بیشتر به روستائیان در کلاسهائی که از سوی اداره بهزیستی استان در شهرستان تبریز تشکیل شده است شرکت دارند. و دراین کلاسها آموزشهای ایدئولوژی اسلامی- توانبخشی خدمات ودیگر آموزشهای لازم را بمدت ۱۵ روز خواهند دید.

از سوی استانداری سمنان:

برادر شریفزاده به سمت معاونت سیاسی و اداری استانداری سمنان منصوب شد

سمنان- خبرنگار جمهوری اسلامی- طی حکمی از سوی برادر محمدتقی زمانیان استاندار سمنان برادر علی شریفزاده به سمت معاون سیاسی و اداری استانداری منصوب شد متن حکم صادره چنین است.

بسمه‌تعالی برادر عزیز آقای علی شریفزاده پس از سلام باتوجه به ایمان و صداقت وسوابقی که در پیشبرد اهداف انقلاب‌اسلامی داشته‌اید.

و با عطف به پیشنهاد این جانب به برادر گرامی حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق‌نوری وزیر محترم کشور مبنی بر واگذاری مسئولیت معاونت امور سیاسی و اداری استانداری و موافقت ایشان که طی حکم شماره ۱۳۶۰/۱۰/۱۳- ۳۲۸۸۶/۱/۲۳ جنابعالی به این سمت منصوب میگردید.

و انشاالله درحل مسایل و معضلات مردم مسلمان وایثارگر این استان باتکامل به خداوند قادر سبحان و در حدود مسئولیت و با درنظر داشتن رویهٔ اسلامی درجهت تحقق بخشیدن به اهداف مقدس جمهوری‌اسلامی که خواسته شهیدان زنده و زندگان شهید میباشد موفق باشید انشاالله محمدتقی زمانیان استاندار سمنان

نسبت به سکوت در برابر خیانت آل‌سعود متقاعد کند.

این طراحان وقتی نوبت به قضاوت در مورد سوری‌ها می‌رسد دچار قیاس بنفس می‌شوند. آنها همان کافرانی هستند که همه را به کیش خود می‌پندارند و اشتباه آنها درهمین جاست. سوریه اگر همکیش آنها بود «تنها کشور خط مقدم جبهه» نام نمی‌گرفت.

از سوریه انتظاری جز مقاومت در برابر چنین شانتاژهائی نیست زیرا این کشور پیش از این توطئه‌هائی سهمگین‌تر از این را پیروزمندانه از سرگذرانده است.

۲- و طراحان این تدبیر تصور کرده‌اند که طرح فهد در کنفرانس فاس و تنها بواسطه مخالفت کشورهای مترقی عرب شکست خورده است.

آنها براساس عادت دیرینه خود (و چه بسا که بخاطر ترس بیش از حد خویش از واقعیت) حاضر نیستند که دربرابر نقشی که امروزه ملتهای خاورمیانه ایفا میکنند زانوی تمکین بزنند.

اگرچه نباید به مقاومت دولتهای مترقی منطقه در برابر پیشنهاد عربستان کم بها داد، اما درعین حال باید اذعان کرد که طرح فهد رامللت‌های منطقه بشکست کشاندند و نه دولتها. طرح فهد در مساجد و در کوچه و بازارهای خاورمیانه شکست خورد و این حقیقتی است که اگر ما آنرا انکار کنیم تاریخ چنین نخواهد کرد.

آیا اگر رئیس فلان کشور حاشیه خلیج‌فارس از شرکت در کنفرانس فاس اجتناب کرد بخاطر کینه دیرینه‌اش با اسرائیل بود؟ و یا اگر او زیربار پذیرفتن طرح فهد نرفت بدلیل خیانت‌بار بودن آن طرح بود؟ هرگز! او از خشم ملت خود ترسید. دیگران هم بهمچنین.

فردا نیز که فهد بخواهد طرح خود را عملی کند باز داستان همین خواهد بود، داستان حضور پرخروش مردمی خواهد بود که با به شکست کشاندن کمپ‌دیوید دوم طعم شیرین پیروزی بر حاکمان وابسته را چشیده‌اند، لذت تعیین سرنوشت خود بدست خود را درک کرده‌اند، و اگر در دفعه نخست به راه و چاه مبارزه با خیانتکاران آشنا نبودند امروز هر کدام مبارزی تجربه‌دیده‌اند.

من حزب‌المجرب

بقیه از صفحه اول

بگذارد و از جانب سوم وقتی این دوحرکت موازی به نتیجه مطلوب رسیدند آل سعود طرح ۸ ماده‌ای را مجدداً بر سر زبانها می‌اندازند. و پس از آنکه این سه جریان شکل گرفتند، نوبت به خبرگزاریها میرسد که میان آنها عقد اخوت بخوانند و بی‌پروا از آنکه شصت کسی ازهمدستی پنهان و آشکار ریاض و تل آویو خبردار نشود فاش سازند که آن سه همه اجزاء یک دسیسه بوده‌اند.

بدین ترتیب نخست برای سوریه سه مشکل بغرنج تراشیده میشود بقرار زیر:

۱ -انزوا در جهان عرب

۲-بیم از قطع کمکهای مالی

۳-الحاق رسمی جولان به فلسطین اشغالی

و سپس راه حل هر سه این مشکلات یک«لطف کوچک به برادران مهربان و سخاوتمندی که در ریاض نشسته اند» معرفی میگردد. آن«لطف کوچک» عبارت است از سکوت در برابر خیانت به آرمان فلسطین.

تدبیری که برای به سازش کشاندن سوریه به عنوان تنها کشور خط مقدم مبارزه با صهیونیستها انتخاب شده است همانگونه که از سطور فوق برمی‌آید پیچیده است. اما همین تدبیر به دو دلیل محکوم به شکست می‌باشد:

۱- طراحان چنین نقشه‌ای وجود چیزی بنام آرمان فلسطین و سپس وجود نیروهائی که به چنین آرمانی وفادار باشد را انکار می‌کنند و معتقدند که اگر سیاسیون دمشق در برابر دشمن صهیونیستی از خود سرسختی نشان می‌دهند تنها بدان خاطر است که وقتی منافعی که جنگ با اسرائیل برای آنها در بردارد را در یک کفه ترازو می‌گذارند و در کفه دیگر بهره‌هائی که آنها از سازش با اشغالگران قدس بدست می‌آورند را سنگین و سبک می‌کنند، کفه نخست را سنگین‌تر می‌یابند. البته اگر این تصور آنها درست بود طبیعی بود که فشارهای گوناگونی که درچند مدت اخیر برسوریه وارد آمده است بتواند آن کشور را

آنا کوتاه

مرکز شهری ۱۵۰۰ شمارای‌اسکو افتتاح شد

تبریز- خبرنگار جمهوری اسلامی: طبق گزارش اداره کل محابرات آذربایجان شرقی بایاری خداوند متعال وتلاش کارکنان متعهد ومتخصص مخابرات، مرکز شهری، ۱۵۰۰ شمارای اسکو ساعت ۱۰ صبح دیروز با حضور برادر طاهری استاندار آذربایجان شرقی و نمایندگان محترم، روحانیت ونهادهای انقلابی وادارات واهالی این شهرستان افتتاح و آغاز بکار کرد.

اعزم به جبهه

قائم شهر- خبرنگار جمهوری اسلامی: گروهی از برادران عضو بسیج شیرگاه بعد از یکدوره آموزشی در تاریخ ۶۰/۱۰/۱۳ در میان صدرقه پرشور مردم مسلمان شیرگاه جهت نبرد باصدامیان کفر صفت سنی عازم جبهه‌های حق علیه باطل گردیدند.

قائم شهر- خبرنگار جمهوری اسلامی: مراسم چهلمین روز شهادت برادر شهید ناصر نجفی قلاری کلایی که در فتح بستان بدرجه رفیع شهادت نایل آمده بود ساعت یک بعد از ظهر روز جمعه ۶۰/۱۰/۱۸ برمزار شهید واقع در مسجد شهید احمد اسلام نهما در قادی کلای بزرگ برگزار میشود.

اطلاعیه هنگ ژاندارمری جیرفت

بگزارش واحد مرکزی خبر گروهای ژاندارمری شهرستان جیرفت باطلاع کلیه مشمولان عادی که از این گروهان دفترچه آماده به خدمت برای ۱۵ دیماه دریافت داشته‌اند میرساند بعلت استقبال زیاد مشمولان در سایر شهرستانها تاریخ اعزام آنها از ۱۵ دی ماه به ۱۵ بهمن ماه موکول گردیده است.

فعالیتهای کمیته امداد امام در سمنان

به گزارش واحد مرکزی خبر کمیته امداد امام خمینی استان سمنان در ۹ ماهه اخیر در امر کمک به مستضعفین در سطح استان توانسته است مبلغ ۱۰ میلیون و ۱۱۷ هزار ریال وجه نقد را در اختیار مستضعفین استان قرار دهد.

این نهاد بیلان فعالیتهای نقدی و غیر نقدی ۹ ماهه اخیر خود را به این شرح اعلام نمود:

۱۰ میلیون و ۱۱۷ هزار ریال وجه نقد ۳۱۷۶۰۰ کیلو چای ۸۶ هزار و ۲۲۰ کیلو قند ۳۷ هزار و ۲۳۰ کیلو برنج ۹۸۶۰ کیلو حبوبات ۹۹ جفت کفش ۷۵ دست لباس ۳۳۰ عدد پیراهن و مقدار ۲۶۹۰ عدد خودکار دفتر و قلم که بین مستضعفین استان سمنان توزیع شده است.

اشتغال ۲۰۰ تن از مهاجرین جنگی

اهواز- واحد اشتغال شهرک بنی اکرم طی گزارشی اعلام کرد با بزیر کشت در آوردن بیش از یکهزار و سیصد هکتار اراضی و کاشت چغندر قند برنج و انواع صیفی وگندم مبادرت به ایجاد کار برای بیش از دویست تن از مهاجرین جنگی ساکن در شهرکهای علم الهداء فجر و آزادی کرده است.

کشف تریاک در تربت حیدریه

مشهد - ماموران مبارزه با مواد مخدر شهرستان تربت حیدریه با مواد یکشبه در بازرسی از یک منزل مسکونی در این شهر مقدار دو کیلو و دویست گرم تریاک کشف و ضبط کردند. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این رابطه به تن بسام های غلام رسول چهری فرزند مصطفی- حیدر عرب فرزند ا... داد و م